ب) اشتراک حرف دوم کلمات ثانیی و ادغام آن‌ها و تشکیل کلمات ثالثی

اصل قاعده را خیلی وقت قبل در ذهنم آمده است. شاید بیش از بیست سال است که این قاعده در ذهنم آمده است. انواع چیزهایی که در بستر زبان می توانسته واژه‌های بعدی را سامان بدهد. یکی از قواعد این است که دو فعل می‌خواهد پشت سر هم بیایی و با معنای آن‌ها کار دارد. حرف دوم این دو فعل یکی است. می‌خواهد بگوید: «کرّ» و «فرّ»؛ حمله کرد و دوباره فرار کرد. این‌ها دو فعل هستند. خُب، در استعمالات سریعی که بعدا جا می‌گیرد و عرف می‌خواهد به کار ببرد، عرف می‌گوید باید بگویم «کرّ» و «فرّ»، خُب، الان چه حرف مشترکی دارند؟ دو راء مشترک دارند. خُب، دو حرف اول را می آورند و می زنند به حرف دوم که مشترک است. آیا گفته‌ام «کف» و «فر»؟ ای می‌خواستم بگویم: «کرّ» و «فرّ»؟ «کر» و «فر» را گفتم «کفر». «کفر» یعنی «کر» و «فر»، حرف مشترک را به خاطر سهولت بر لسان جدا کردم. این قاعده محتملی است. در ذهنم آمد چون در فضای طلبگی شواهد پیدا می کردم. آدم شواهدی را می‌دیدی که با این جور در می‌آمد.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 فوریه 2024 11:48:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 15:16:54 توسط ... .